



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیم شیمل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشتم. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Lech Lecha

Our Children Walk on Ahead

لخ لخا: فرزندان ما پیشاپیش گام برمی دارند

فراخوان به ابراهیم که پاراشای لخ لخا با آن آغاز می شود، گویی ناگهان اتفاق می افتد:

"رهاکن سرزمین و خانه ی پدری ات را و برو به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد."

هیچ چیزی ما را برای چنین عزیمت ناگهانی آماده نساخته است. ما آن گونه که شرحی در مورد نوح داشتیم (نوح

مرد راستواری بود؛ کامل در نسل های خود؛ نوح با خدا راه می رفت)، درباره ی ابراهیم چیزی نمی شنویم.

همچنین، به کودکی او آن گونه که در مورد موسی می بینیم، نگاهی افکنده نمی شود. چنان که گویی فراخوان ابراهیم

گسستی است با هر آنچه پیشتر رخ داده بود. گویی هیچ پیشدرآمد، پیش زمینه و سابقه ای وجود نداشته است.

افزون بر این، آیه ای کنجکاوی برانگیز در واپسین سخنرانی جانشین موسی هست:

و یهوشوع به همه‌ی مردم گفت: "چنین می‌گویند خداوند، خدای اسرائیل که دورزمانی، پدران ما طرح، پدر ابراهیم و ناحور آن سوی رود (فرات) می‌زیستند؛ و آنان خدایان دیگر را پرستش می‌کردند." یهوشوع

۲۴:۲

این معنا دریافت می‌شود که پدر ابراهیم، یک بت پرست بود. میدراش معروف تلمودی به این امر اشاره دارد که ابراهیم در کودکی بت‌های پدرش را شکست. وقتی طرح از او پرسید که چه کسی این آسیب را وارد ساخته، او پاسخ داد، "بزرگترین بت، چوبی برداشت و باقی بت‌ها را شکست."

طرح گفت: "چرا می‌خواهی مرا فریب بدهی؟ آیا بت‌ها چیزی می‌فهمند؟"

کودک پاسخ داد: "باشد که گوش‌هایت آنچه دهانت می‌گوید را بشنوند." برشیت ربا ۳۸:۸

در این خوانش، ابراهیم یک بت‌شکن، درهم‌شکننده‌ی تمثال‌ها و کسی بود که علیه دین پدر خود شورش کرد.

هارامبام فیلسوف، این روایت را به گونه‌ای دیگر آورد. در ابتدا انسان‌ها به خدای یکتا باور داشتند. بعدها شروع به قربانی دادن برای خورشید، سیاره‌ها و ستارگان و دیگر نیروهای طبیعت به عنوان مخلوقات و خدمتگزاران خدای یکتا نمودند. بعدها همچنان به پرستش خود این پدیده‌ها یا خدایان ادامه دادند. لازم بود که ابراهیم فقط با استفاده از منطق خرافات چندخدایی را نفی کند:

پس از آنکه ابراهیم از شیر گرفته شد و همچنان یک کودک بود، ذهنش آغاز به تفکر کرد. روز و شب، فکر و تأمل کرد که چگونه ممکن است این افلاک بدون وجود تدبیرکننده‌ای دنیا را تدبیر کنند و بگردانند؟ زیرا نمی‌توانند به خودی خود گردش کنند. او هیچ معلم یا مربی نداشت، چون در اور سرزمین کلدانیان در میان بت پرستان ابله بزرگ شده بود. پدر و مادرش و کل جمعیت بت‌ها را می‌پرستیدند و او نیز با آنها چنین می‌کرد. ابراهیم، به تفکر و تأمل ادامه داد تا آنکه به حقیقت دست یافت و با تلاش خودش آنرا دریافت. آن زمان بود که دانست خدای یکتایی هست که اجرام آسمانی را تدبیر می‌کند و به جز او هیچ خدایی نیست.

احکام مربوط به بت پرستی ۱:۲

مفهوم مشترک میان هارامبام و میدراش، گسست است. ابراهیم نماینده‌ی گسستی ریشه‌ای از همه چیز پیش از خودش است.

اما به گونه ای درخشان، بخش های پیش از آن به ما چشم اندازی بس متفاوت را نشان می دهد:

اینها هستند نسل های طرح. طرح پدر ابرام، ناحور و نوده اش حران بود؛ حران پدر لوط بود... طرح، ابرام پسرش و لوط پسر حران نوه اش و سرای عروس و همسر پسرش ابرام را با خود همراه نمود تا از اور کلدان به سرزمین کنعان بروند. اما چون به حران رسیدند، آنجا اقامت کردند. طرح ۲۰۵ سال عمر کرد و طرح در حران مرد. پیدایش ۱۱:۳۱

گویی می خواهد بگوید ابراهیم، خیلی پس از گسستن از پدرش، سفری را ادامه داد که پیشتر، پدرش آغاز کرده بود. چگونه می توانیم این دو بخش را با هم آشتی دهیم؟ ساده ترین راه که بیشتر تفسیرگران توره در پیش گرفته اند، این است که آنها را دارای توالی زمانی نمی دانند. فراخوان به ابراهیم (در پیدایش ۱۲) ابتدا اتفاق افتاد. ابراهیم فراخوان الهی را گرفت و با پدر خود در میان گذاشت. همه ی خانواده با هم عزم سفر کردند، اما طرح در نیمه راه در حران اسکان گزید. بخشی که به درگذشت طرح می پردازد، پیش از فراخوان ابراهیم آمده، اما پس از آن اتفاق افتاده تا از ابراهیم درباره اتهام شکستن احترام پدرش از راه ترک او در سالخوردگی حفاظت کند (راشی، میدراش).

اما امکان آشکار دیگری هست. بصیرت روحانی ابراهیم ناگهانی اتفاق نیفتاد. طرح پیشتر نخستین قصد برای حرکت به سوی یکتاپرستی را انجام داده بود. فرزندانش آنچه والدین آغاز کرده بودند را ادامه دادند.

هم توره و هم سنت تلمودی به گونه ای درخشان والدین بودن به سبک الهی را این گونه فهمیده بودند. آنها توصیف نوح (نوح با خدا راه می رفت) را در تقابل با توصیف ابراهیم می دیدند ("خدایی که پیشاپیش او حرکت کرده ام" پیدایش ۲۴:۴۰). خدا به ابراهیم می گوید: "پیشاپیش من برو و کامل باش" (پیدایش ۱۷:۱). خدا راه را نشان می دهد، سپس فرزندان خود را برای حرکت در پیشاپیش، به چالش می کشد.

در یکی از مشهورترین بخش های تلمود بابلی (بابا متزیا ۵۹ ب) توصیف می شود که چگونه حخامیم بر علیه نظر ربی الیعزر رأی دادند، حتی با آنکه صدایی آسمانی رأی او را تأکید کرده بود. این بخش با شرح دیداری میان ربی ناتان و الیاهوی نبی ادامه می یابد. ربی ناتان از نبی می پرسد: واکنش خدا به آن لحظه که رأی اکثریت در مورد یک قانون علیرغم صدایی آسمانی پذیرفته شد، چه بود؟ الیاهو پاسخ می دهد: "او لبخند زد و گفت: فرزندانم مرا شکست داده

اند!" [توضیح مترجم فارسی: این حکایت گمارا در مورد هالاخای تنور را در پایان این تفسیر بخوانید به نقل از کتاب شرحی مفهومی و تاریخی بر تلمود؛ نوشته شیریندخت دقیقیان، بنیاد هارامبام، لس آنجلس ۲۰۱۳]

در یهودیت، والدین بودن یعنی گشودن فضایی که درون آن فرزند رشد کند. به گونه ای شگفت آور این امر حتی وقتی خدا والد باشد نیز صدق می کند (آوینو یعنی پدر ما). به بیان ربی یوسف سولو تپچیک:

آفریدگار جهان، تصویر و نمای آفرینش را پایین آورد تا کاری برای انجام دادن برای انسان که کار دستان

او است، باقی بماند و انسان را با تاج آفریدگار و سازنده ی جهان زینت بخشد. انسان هلاخایی، ص ۱۰۷

این ایده بیان خود را در هلاخا یا قانون یهود می یابد. باوجود تأکید تورا بر بزرگداشت و احترام والدین، هارامبام می گوید:

هرچند فرزندان دستور دارند که در احترام والدین سنگ تمام بگذارند، اما برای یک پدر ممنوع است که یوغ سنگینی بر گردن آنها بگذارد یا در امور مربوط به احترام خود بیش از حد پافشاری کند، مبدا منحرف شوند. او باید فرزندان را ببخشد و چشمان خود را ببندد، زیرا یک پدر اختیار دارد که از احترام خود چشم پيوشد. هیلخوت ممریم ۶:۸

داستان ابراهیم را می توان از این دو راه خواند، بسته به این که چگونه پایان بخش ۱۱ را با آغاز بخش ۱۲ پیوند دهیم. یک خوانش تأکید دارد بر گسست. ابراهیم با همه چیز در گذشته ی خود گسست کرد. خوانش دیگر بر تداوم تأکید دارد. طرح پدر ابراهیم پیشتر آغاز به مبارزه با بت پرستی کرده بود. او سفری دور به سرزمینی که سرانجام مقدس می شد را آغاز کرده بود، اما در نیمه راه متوقف شد. ابراهیم سفری را که پدرش آغاز کرده بود، ادامه داد.

شاید خودِ کودکِ دارای چنین ابهامی است. زمان هایی هست به ویژه در نوجوانی که به خود می گوئیم از والدینمان گسست خواهیم کرد و راهی یکسره جدید در پیش خواهیم گرفت. فقط سال ها بعد با نگاه به گذشته درمی یابیم که چقدر مدیون والدین خود هستیم و حتی در همان لحظات که با قدرت احساس می کردیم سفر یگانه ی خود را در پیش گرفته ایم، در واقع، ایده آل ها و آرزوهایی که از والدین خود آموخته بودیم را دنبال می کرده ایم. و این امر را خدا آغاز کرد که به ما فضا داد و همچنان می دهد تا ما که فرزندان او هستیم، پیشاپیش حرکت کنیم.

شبات شالوم

توضیح مترجم فارسی: حکایت گمارا در مورد هالاخای تنور را به نقل از کتاب شرحی مفهومی و تاریخی بر تلمود؛ نوشته شیریندخت دقیقیان، بنیاد هارامبام، لس آنجلس ۲۰۱۳ از این قرار است:

متن گمارای تنور تلمود بابلی، بابا مصیعا، ورق ۵۹، صفحه دوم - ترجمه از شیریندخت دقیقیان

« بحث بر سر تعیین هالاخا [دستورعمل] برای تنوری بود که قطعه قطعه سوار و جاسازی می‌شود و این که آیا پاک است یا ناپاک؟

« آن روز، ربی الیعزر همه استدلال‌های عالم را به میان آورد. او دلایل نیرومندی در توجیه این نظر خود آورد که چنین تنوری را باید تازه ساز و بیناز از اجرای روش‌های زدودن ناپاکی دانست. ولی حکیمان، دلایل او را نپذیرفته، اصرار کردند که از چنین تنوری باید رفع ناپاکی کرد. وقتی ربی الیعزر دید که قادر به متقاعد کردن همتایان خود از راه استدلال منطقی نیست، رو به آن‌ها گفت: "اگر هالاخا مطابق نظر من است، باشد که این درخت حروب [یا خرنوب - درختی گرمسیری] اثبات کند". درخت حروب همان دم، خود را از ریشه درآورد و صد قدم یا به قولی دیگر، چهارصد قدم جابجا شد. حکیمان به ربی الیعزر گفتند: "اثبات نمی‌تواند از سوی یک درخت حروب بیاید". آن گاه ربی الیعزر رو به حکیمان گفت: "اگر هالاخا مطابق نظر من است، باشد که این نهر آب اثبات کند". نهر آب، بی‌درنگ به عقب جریان یافت و خلاف مسیر پیشین خود رفت. سپس حکیمان به ربی الیعزر گفتند: "اثبات همچنین نمی‌تواند از سوی یک نهر آب بیاید". ربی الیعزر آن گاه به حکیمان گفت: "اگر هالاخا مطابق نظر من است، باشد که دیوار این بیت همیدراش [مدرسه تورا] اثبات کند". در آن هنگام، دیوارهای بیت همیدراش حرف‌های او را شنیده، خم شدند تا فرو ریزند. ربی یهوشوع، یکی از مخالفان اصلی نظر ربی الیعزر در میان آن حکیمان، خطاب به دیوارها نهیب زد و گفت: "اگر حکیمان تلمودی، در حال جدل با هم پیرامون یک هالاخا هستند، شما این وسط چه کاره هستید؟" دیوارها به احترام ربی یهوشوع فرو نریختند، ولی به احترام ربی الیعزر، راست هم نشدند. در حقیقت، آن دیوارها همچنان تا امروز خمیده مانده‌اند. آن گاه، ربی الیعزر به حکیمان گفت: "اگر هالاخا مطابق نظر من است، باشد که آسمان‌ها یک‌راست اثبات کنند".

« ناگهان ندایی از عرش، خطاب به حکیمان به گوش رسید: ”چرا با ربی اليعزر جدل می کنید؟ هلاخا در هر شرایطی مطابق نظر اوست!“ ربی يهوشوع برخاست و بخشی از آیه‌ای را نقل کرد که می گوید: ”توراه نه در آسمان است که...“ [تثنیه ۱۲:۳۰]. [اصل آیه: ” زیرا این حکمی که امروز به تو امر می فرمایم، برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست. نه در آسمان است تا بگویی کیست که به آسمان برای ما صعود کرده، آن را نزد ما بیاورد و به گوش ما برساند تا اجرا کنیم. و نه ورای دریا که بگویی چه کسی به آن سوی آب ها عبور کرده، آن را نزد ما بیاورد و به گوش ما برساند تا اجرا کنیم. بلکه این کلام بسیار به تو نزدیک است و در دهان تو و در دل تو است تا آن را اجرا نمایی.“]

« گمارا این بُریتا [متنی که در میشنا گنجانده نشده] را بررسی کرده و توضیح روشن طلب می کند: منظور ربی يهوشوع از نقل آیه ”توراه نه در آسمان است که...“ چه بود؟ ربی یرمیا در پاسخ گفت: ”از آن جا که خداوند، پیش تر در کوه سینا، توراه را به بنی اسرائیل اعطا فرموده، ما دیگر هیچ توجهی نداریم به ندهای آسمانی که بخواهند در امور هلاخا دخالت کنند. خداوند، پیش تر بالای کوه سینا برای شما در توراه و پیرامون اکثریت آراء نوشته است [استنباط اهمیت رأی اکثریت از خروج ۲:۲۳]. از آن آیه می فهمیم که جدل های هلاخایی باید با اکثریت آراء ربانیم حل شوند. خداوند نمی تواند تصمیم خود مبنی بر حل پرسش های توراه از راه بحث آزاد و رأی اکثریت را نفی کند.“

« در گمارا آمده که چند نسل بعد، ربی ناتان، الياهو هَناوی را دیدار کرد [هنگام مراقبه عرفانی]. ربی ناتان از الياهو پیرامون جدل ربی اليعزر و ربی يهوشوع پرسید و گفت: ”وقتی ربی يهوشوع از پذیرش صدای آسمانی سرباز زد، خداوند متعال و متبارک چه فرمود؟“ الياهو هَناوی در پاسخ به ربی ناتان گفت: ”خداوند لبخند زد و گفت: ”فرزندانم بر من پیروز شدند! فرزندانم بر من پیروز شدند!“ فرزندان خدا با استدلال های خود بر او پیروز شدند. این دیدگاه ربی يهوشوع بر حق بود که رأی اکثریت باید پذیرفته شود، حتی اگر خود خدا نظری مخالف داشته باشد!“

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org

[f](#) [t](#) [@](#) [v](#) @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved